

معهد اعلی می فرماید: " ... احبای صدیق قادرند از خانواده های خود واحدهایی سالم و پر قدرت به وجود آورند که چون شمع های فروزان به انتشار انوار ملکوت یزدان پرداخته و به مثابه کانونهای پرتوان به جذب تأییدات حضرت رحمن مشغول گردند. "

انوار هدایت ص ۲۸۱

عنوان: جایگاه خانواده

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع از آثار جمال اقدس ابهی
۲. مناجات دوّم از آثار حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاهُ
۳. ذکر دسته جمعی: " هَلْ مِنْ مُفْرَجٍ غَيْرُ اللَّهِ قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ ... " (۵ مرتبه)
۴. قسمتی از لوح مبارک حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاهُ
۵. مجموعه نصوص مبارک حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاهُ

قسمت اداری

۶. خانه بهائی
۷. قسمتهایی از دستخط بیت العدل اعظم الهی
۸. خدمت در خانواده
۹. حکایت
۱۰. زندگی هرمان گروسمن , ایادی عزیز امرالله
۱۱. شعر
۱۲. برنامه نوگلان بوستان الهی (به انتخاب نوگلان عزیز
۱۳. شور و مشورت و پیشنهاد

قسمت اجتماعی

- ۱۴ تنفس و پذیرائی
- ۱۵ مناجات خاتمه از آثار حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاهُ

همکاران و همراهان روحانی، الله ابھی

مسرور و خوشحالیم که بار دیگر آن عزیزان را مصمم تر از قبل در کنار خود شاهدیم و مطمئنیم که با عنایت و مساعدت آن عزیزان، نیل به اهداف این برنامه که با عنوان " جایگاه خانواده " تهیه گردیده میسر می گردد .

همانگونه که مستحضرید خانواده در امر مبارک به شکلی بدیع مورد عنایت قرار گرفته، به گونه ای که حضرت ولی امرالله آن را در محکمی می دانند که امرالله می تواند بر آن مطمئن و متکی باشد و از سوی دیگر به فرموده ایشان خانواده مؤسسه ای است که حضرت بهاءالله به جهت تقویت و نه تضعیف آن ظهور نموده اند. و از آن روی که هدف اساسی دیانت مقدس بهائی وحدت عالم انسانی است، توجه به این اصل در حیات خانواده نیز بسیار مورد نظر و توجه بوده است.

"در امر مبارک، تأسیس عائله در مسیر خدمت به عالم انسانی است که ارزش و اعتبار می یابد و در این مسیر یک خانواده واقعی، خانواده ای است که الگوی عملی از فضائل عالم انسانی را به سائرین ارائه می دهد. آن چه در این برنامه بیش از پیش مورد نظر می باشد، جایگاه خانواده در ارائه چنین شکلی از خدمت به عالم بشری است؛ یعنی دادن الگویی عملی که بتواند خانواده امروز را در حالی که اساس و بنیان خانواده در عالم انسانی رو به زوال و نابودی است نجات بخشد.

آن چه می بایست هرگز فراموش ننمائیم آن است که به فرموده حضرت عبدالبهاء " یک خانواده ملتی است کوچک. کافی است نظراً حوزه و دایره آن را وسعت دهید تا به شکل یک ملت در آید. همچنین دایره ملل را گسترش دهید تا صورت کل بشریت حاصل شود. شرایط محیط بر یک خانواده، بر یک ملت نیز حاکم است. وقایع محدثه در یک خانواده، همان وقایع حادثه در حیات یک ملت است. آیا اگر در میان اعضاء یک خانواده، نفاق و شقاق حاکم شود، همه به منازعه قیام کنند، همدیگر را غارت نمایند، با حسادت و نفرت سبعانه در پی منافع نفس پرستانه خود باشند، آنوقت ترقی و پیشرفتی به جهت آن خانواده متصور خواهد بود؟ لا و الله. چنین وضعی سبب فنا و زوال هر ترقی و پیشرفتی است "

انوار هدایت ص ۲۷۸

۱- مناجات شروع از آثار جمال اقدس ابھی

الها معبودا

عبادت را از ثمره وجود محروم منما و از بحر جودت , قسمت عطا فرما . توئی مقتدری که قوت عالم قوتت را ضعیف نمود و شوکت امرای ارض تو را از مشییت باز نداشت . از تو می طلبم فضل قدیمت را و عنایت جدیدت را . توئی فضال و توئی غفار و توئی بخشنده و توانا .

ادعیه

حضرت محبوب ص ۲۸۹

۲- مناجات دوّم از آثار حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائهُ

هو الله

ای بدیع الالطاف , لطفی بدیع نما و لطافت ربیع بخشا . ما نهالانیم به دست مرحمت کشته و با آب و گل مودت سرشته . محتاج جوی عطای توئیم و شایان ابر سخای تو ؛ این کشت امید را به خود مگذار و از باران عنایت دریغ مدار . از سحاب جودت بیار , تا نهال وجود به بار آید و دلبر مقصود در کنار . والبهاء علی اهل البهء .
عبدالبهاء عباس

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص ۴۸۰

۴- قسمتی از لوح مبارک حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاؤُهُ

"زن و شوهر باید معلومات خود را و استعدادات خود و ذوق خود و سعادت و دولت خود و مقام و مرتبه خود و جسم و جان خود را در مرحله اول به حضرت بهاءالله و سپس به یکدیگر نثار نمایند. باید افکارشان عالی و آمالشان نورانی و قلوبشان روحانی و ارواحشان مطلع انوار شمس حقیقت باشد. نباید به جهت اتفاقات و تصادفات فانی این زندگی تغییر پذیر، نسبت به هم بدبین شوند و خُلق تنگی نمایند. قلوبشان باید وسیع و منشرح و به وسعت جهان الهی باشد. هر وقت اختلاف نظری بین ایشان تولید شود، باید به منتهی درجه سعی نمایند که آن را بین خود حل کنند و نگذارند خبر آن به خارج سرایت کند؛ زیرا مردم مستعد هستند که ذره صغیر را جبل کبیر نمایند و نیز هر گاه به علت پیش آمدی رنجشی از یکدیگر حاصل نمودند نباید آن را در دل نگاهدارند؛ بلکه بالطبع باید آن را برای یکدیگر شرح و توضیح دهند و کوشش کنند هر چه زودتر نفاق و کدورت برطرف شود. باید یگانگی و یاری را بر حسادت و ریا، ترجیح دهند و مانند دو آینه صافی باشند تا انوار ستارگان محبت و جمال را در یکدیگر منعکس سازند. شما باید تصوّرات و افکار عالی و آسمانی خود را به یکدیگر بگویید. هیچ امر مخفی در بین خود نداشته باشید. خانه خود را محل راحتی و صفا نمائید. مهمان نواز باشید و در منزل خود را به روی آشنا و بیگانه باز گذارید. هر تازه واردی را با روئی متبسم، استقبال کنید و خوش آمد گوئید و طوری با ایشان رفتار نمائید که احساس کنند که در خانه من هستند".

نتخابات نصوص مبارکه درباره حیات بهائی جهت تدریس در دوره کلاس تابستانی ص ۹۰ - ۸۹

۶- خانه بهائی

حضرت عبدالبهاء می فرمایند، قوله الجلیل :

... "الحمد لله به فضل و عنایت حضرت بهاءالله به خانه شما هم آمدم. هر بیتی که در آن ذکر بهاءالله بشود، مبارک گردد و برکت یابد؛ موهبت الهیه بر آن خانه نازل شود؛ نور الهی بر آن بتابد؛ نفثات روح در آن دمیده شود. لهذا امیدم چنان است که خانه تو مبارک شود؛ خانه آسمانی گردد؛ همیشه در این خانه ذکر بهاءالله بلند باشد و تعالیم بهاءالله از این خانه به سائر خانه ها انتشار یابد. امیدم چنین است."

یادداشت‌هایی درباره حضرت عبدالبهاء ص ۹۰۱

۵- مجموعه نصوص مبارک حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاؤُهُ

-ویژگی های عائله بهائی

حضرت عبدالبهاء می فرمایند، قوله الاحلی:

"در این امر، حیات عائله باید مثل حیات ملائکه سماء باشد؛ روحانیت و سرور باشد؛ اتحاد و اتفاق باشد؛ موافقت جسمانی و عقلانی باشد؛ خانه، منظم و مرتب باشد؛ افکارشان مانند اشعه های شمس حقیقت، ستاره های روشن سماء باشد. چون دو مرغ بر شاخسارهای وحدت و یگانگی بسریند؛ همیشه پر فرح و سرور باشند؛ سبب سرور قلب دیگران شوند؛ برای دیگران سرمشق باشند؛ برای یکدیگر محبت صمیمی حقیقی داشته باشند؛ اطفال خود را خوب تربیت نمایند تا سبب افتخار و اشتیاق عائله گردد. " ۱

-ثمره وحدت در خانواده

حضرت عبدالبهاء می فرمایند، قوله العزیز:

"ملاحظه نماید هنگامی که در یک خانواده همبستگی و وحدت موجود باشد، چگونه امور آن اداره و هدایت می شود؛ اعضای آن چه پیشرفتی می نمایند و چگونه در این عالم فانی سعادت و کامرانی حاصل می کنند؛ امور و احوالشان منظم است، از آرامش و آسایش برخوردارند و از امنیت و اطمینان بهره بردار. موقعیتشان پُر اطمینان است و موقعیتشان سبب غبطه دیگران. چنین عائله ای، روز به روز مقام و مرتبتش افزون گردد و عزت و حرمتش مستدام شود. " ۲

و همچنین می فرمایند، قوله المتین:

"آثار مضره اختلاف و انشقاق را در یک خانواده ملاحظه نمائید؛ سپس به عنایات و برکاتی هم که شامل حال عائله ای که میان اعضاء مختلف آن روح وحدت و اتحاد حاکم است بیندیشید. چه منافع و برکاتی لا تُحصی بر خانواده عظیم انسانی نازل می شود اگر وحدت و اخوت در بین آنان مستقر می گشت. " ۳

۲- انوار هدایت ص ۲۷۴

- ازدواج بهائی ص ۱۴

- ۳ انوار هدایت ص ۲۷۴

موریل آیوز دختر جناب هوارد کلبی آیوز چنین نقل می کند :

می بل آیوز ، بعد از ازدواج با هاوارد کلبی آیوز (پدر من) بین کسانی که به او عشق می ورزیدند به نام رضوانیه معروف شد. سالها بعد از ازدواجشان ، پدرم و رضوانیه دست به سفر می زدند و امر مبارک را تبلیغ می کردند . تمام زندگی آنها به این امر اختصاص یافت ... همیشه محفلی را که تشکیل داده بودند پشت سر می گذاشتند و به نقطه دیگر می شتافتند . زندگی کوچ نشینی بود . به این معنی که در طول تمام آن سالها ، هرگز خانه ای از آن خود نداشتند ؛ هیچ جائی نداشتند که اموال خودشان در اطرافشان باشد یا جائی که در آن ریشه بگذارند بالاخره بعد از سالها رضوانیه که سلامتی اش رو به تحلیل می رفت ، احساس کرد دیگر بیش از این نمی تواند دوام بیاورد . او به آخر خط رسیده بود . می بایست خانه ای داشته باشد ... پس یک روز صبح رضوانیه به پدر گفت که چه احساسی دارد . او به آخر خط رسیده بود . دیگر نمی توانست تحمل کند . دیگر حتی یک قدم نمی توانست بردارد . مدت زیادی به مشورت پرداختند و نهایتاً پدر به او گفت که البته هر طور که رضوانیه مایل باشد او عمل خواهد کرد ؛ ولی آیا او هم یک کار به خاطر پدر انجام خواهد داد ؟ آیا قبل از آن که تصمیم نهائی را بگیرند ، فقط یک روز دیگر صبر می کند و در این یک روز به دعا و مناجات می پردازد ؟ رضوانیه موافقت کرد . پدر خانه را ترک کرد تا به کارهایش پردازد و او به قولش عمل کرد . شروع به دعا و مناجات کرد . هنگامی که دعا می کرد در اعماق وجودش به عمق و زیبایی معنا و مفهوم تسلیم ، انقطاع و عبودیت پی برد ... اما همراه با آن ، این تفکر در او پیدا شد که تسلیم و رضا به تنهایی کافی نیست ... بعد به خاطر آورد که حضرت بهاءالله فرموده اند که ما باید برای هر وضعیت و شرایطی که به آن تسلیم هستیم شاکر باشیم ... باخدای خودش می گفت : " به من یاد بده که شاکر باشم ، راضی و تسلیم باشم ، شاکر باشم ، راضی و تسلیم باشم . " اما لحظه ای بعد متوجه شد که این نیز کافی نیست ... بعد به فکرش رسید که باید برای عشق و محبت دعا کند ... محبت به کل وضعیتی که او را به این شرایط بحرانی کشیده بود ؛ بحران مبارکی که او را به فراگیری این درس رهنمون ساخته بود ... دعاهایش اجابت شد . وقتی پدر به خانه بازگشت ، زنی بشاش و خنده رو را ملاقات کرد ؛ زنی که شکوه و جلال تسلیم کامل در مقابل اراده الهی او را در بر گرفته بود ؛ زنی مشحون از جلال شکرانه برای امتحانات ؛ زنی که آب زلال محبت الهی در او جریان داشت . سالهای سال این آبهای زلال را به خاطر عظمت امری که آن قدر به آن عشق می ورزید نثار کرد .

-مشورت در خانواده

"حضرت بهاءالله بر اهمّیت امر مشورت تأکید فرموده اند . ما نباید فکر کنیم که این روشِ ارزشمند ، منحصر به تصمیم گیریهای تشکیلات بهائی است ؛ مشورت در خانواده با به کارگیری بحث و گفتگوی صریح و کامل که در عین حال با آگاهی از روح اعتدال و ملایمت صورت پذیرد ، داروی اختلافات خانوادگی است ... " ۱

-طریقی برای کسب روحانیت در خانواده

بیت العدل اعظم در دستخطی چنین می فرماید:

"به محض این که یک واحد خانواده بهائی متولد می شود ، اعضاء بایستی نسبت به روحانی کردنِ حیات جمعی خانواده ، که اکنون به پرتو محبت الله مزین و به اصول و احکام شریفه فخریه امرالله ملهم گشته است ، احساس مسئولیت کنند . برای حصول این مقصود ، بهترین طریقِ ضروری این است که قرائت و تلاوت آثار مبارکه و ادعیه مقدسه ، یکی از اقدامات یومیه کلیه اعضاء خانواده گردد ... بدین طریق ، احبای صدیق قادرند از خانواده های خود ، واحدهایی سالم و پر قدرت بوجود آورند که چون شمع های فروزان به انتشار انوار ملکوت یزدان پرداخته و به مثابه کانونهایی پر توان ، به جذب تأییدات حضرت رحمن مشغول گردند . " ۲

- ۱ طیور حدیقه وفا ص ۲۰

- ۲ انوار هدایت ص ۲۸۱

بیت العدل اعظم در مکتوبی چنین می فرماید:

... بسیار مهم است که حقیقت وحدت خانواده و سهم فرزندان در فعالیتهای آن را مد نظر داشته باشیم. حضرت عبدالبهاء در خطابه ای ... مطالب مهم ذیل را اظهار داشتند: " مطابق تعالیم حضرت بهاءالله، به لحاظ اینکه خانواده، یک واحد انسانی است، باید بر وفق موازین و قوانین تنزیه و تقدیس، هدایت و تربیت شود ... و جامعیت روابط داخلی آن مستمراً تحت مراقبت و مواظبت قرار گیرد و حقوق افراد عضو، محافظت و صیانت شود؛ حقوق اولاد، پدر و مادر، هیچیک نباید مورد تخطی و تجاوز واقع شود. هیچکدام نایستی مستبدانه عمل کند ... کلیه این حقوق و امتیازات باید رعایت شده، در عین حال وحدت و جامعیت خانواده محفوظ ماند "

همچنین بایستی درک شود که یک کودک از بدو حیات، نفسی حائز آگاهی و شعور بوده، عضوی از خانواده با وظائف مخصوصه خود نسبت به آن، به حساب می آید و قادر است برای امرالله به طُرُق متنوعه، فداکاریهای خاص خود را دارا باشد. پیشنهاد می گردد به فرزندان این احساس القاء شود که به آنان نیز فرصت و امتیاز مشارکت در اتخاذ تصمیمات مربوط به خدماتی که والدینشان می توانند به امرالله تقدیم نمایند، اعطاء می گردد و بدین طریق آنان نیز در قبول چنین خدمات و نتایج و اثراتی که بر حیاتشان خواهد داشت، صاحب رأی و تصمیم آگاهانه خود می باشند. در حقیقت کودک را می توان به نحوی توجیه و هدایت کرد که درک نماید، تقبل و تعهد این گونه خدمات توسط والدین، البته همراه با حمایت و مساعدت قلبی فرزندان، آرزوی مشتاقانه و صمیمانه آنان است. نصوص بسیاری از آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و نیز حضرت ولی امرالله در " مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهایی " موجود است که اشعار می دارد: " اطفال را باید از صغر سن، بهائی روحانی ربانی تربیت کرد. اگر چنین تربیت شوند از هر امتحانی محفوظ و مصون مانند. " و حضرت بهاءالله بِنَفْسِهِ الْمُقَدَّسِ می فرماید: " أَمَّا الْأَطْفَالُ، امر فرمودیم در ابتدا به آداب و احکام دین تربیت نمایند ... و بِالْأَعْمَالِ الَّتِي تَكُونُ دَلِيلًا لِنُصْرَةِ أَمْرِهِ. " کودکان باید حتی از بدایت حیات، طوری تربیت شوند که همانگونه که در بیان مبارک ذیل اشاره شده، فداکاری های خاص خود را نسبت به امرالله دارا باشند: " اطفال را از سن شیرخواری ... پر همت نمائید و متحمل مشقت کنید و اقدام در امور مهمه بیاموزید ... "

۱۰- زندگی هرمان گروسمن ایادی عزیز امرالله

نقش یک خانواده سالم و پویا در تشکیل خانواده ای بزرگتر که مصدر خدمات بی شمار اعضایش می گردد، در زندگی جناب گروسمن، ایادی عزیز امرالله به خوبی آشکار است. در روزاریو در آرژانتین جایی که وی در آن بدنیا آمد، مردم از نژادها و مذاهب مختلف در کمال آزادی و وداد در کنار یکدیگر می زیستند و این جو آزادی، تأثیر درک و تفاهم متقابلی را که در خانواده او وجود داشت، تشدید می کرد. اعضای خانواده او که همه آلمانی بودند، بالاخره وقتی ده سال داشت به آلمان برگشتند... در جایی که دیگران به دنبال تعصباتی می رفتند که از خردسالی در ذهنشان نقش بسته بود، هرمان با شور و شوق بسیار در جستجوی حقیقت بود. سرانجام در سال ۱۹۲۰ با شنیدن این بیان مبارک حضرت بهاءالله که می فرمایند:

"همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار" روح و جانش به لرزه در آمد و بلا درنگ به جرگه عاشقان جمال مبارک پیوست. وقتی هرمان به هامبورگ برگشت، با مسرت بسیار، شاهد تصدیق مادر و خواهرش گردید. در همین اوان بود که وی با شریک آینده زندگیش، آنا که او نیز امر مبارک را تصدیق کرده بود آشنا شد و با وی پیمان زناشویی بست. از آن پس زندگی سرشار از تفاهمی که آنان آغاز کردند مایه سرور عمیقی در زندگیشان گردید. هرمان با شور و شوق بی حد و حصری به خدمت امر می پرداخت. خانه او مرکز فعالیت های امری بود. افرادی با عقاید مختلف و از طبقات متفاوت اجتماعی به خانه اش رو می آوردند و با مهمان نوازی ساکنان آن روبرو می شدند. در خانه او که ابوابش همیشه به روی همگان باز بود، عزیزترین کسانش می زیستند: همسرش، والدینش، خواهرش و فرزندانش. در این خانه شخص از همان ابتدا می توانست حرارت حیات بخش تعالیم فراگیرنده دیانت بهائی که آن را از سایر ادیان متمایز می سازد، با شدت فزاینده ای احساس کند. در این خانه اعتقاد به خدا، مظهر امر، تعالیم نازله، تقلیب فرد از طریق دعا و مناجات و خدمت و نظام اجتماعی ای که از سوی قلم الهی رقم زده شده است، در همه جا احساس می شد و در زندگی یک یک اعضایش منعکس می گردید. هرمان گروسمن در سال ۱۹۵۱ توسط حضرت ولی امرالله به عنوان ایادی امرالله برگزیده شد و سرانجام در سال ۱۹۶۸ حیات سراسر خدمتش به پایان رسید و راهی دیار بقا گردید.

اقتباس از عالم بهایی ۱۹۶۸ - ۱۹۶۳

قسمت اول

خانواده بهائی مؤسسه ای بنیادی است . ایجاد و تحکیم فضائل عالم انسانی و اخلاق رحمانی در همه اعضای خانواده در این کانون گرم و پر مهر صورت می پذیرد . در امر بهائی خانواده نه تنها فضایی برای تکامل روحانی انسانی و جسمانی اعضای آن است بلکه باید الگو و سرمشقی برای سایر نفوس نیز باشد ؛ تا آنان با مشاهده عناصر مثبت این بنیاد به سرچشمه فیاض آن راه یابند و نیز بتوانند معضلات خانواده خویش را بر طرف نمایند و در راه پیشرفت روحانی گام بردارند .

حال دقایقی درباره این موضوع به تفکر و بحث پردازیم که : چگونه یک خانواده بهائی می تواند الگو و سرمشق باشد ؟

قسمت دوم که بعد از شور و مشورت خوانده می شود :

بدیهی است که الگو و سرمشق کاملی بودن مستلزم آن است که پس از جلب تأییدات الهی ، باید همه اعضای خانواده تمایل قلبی به این امر داشته باشند ، قوای خویش را صرف این کار نمایند ، برخی قابلیت ها را در خود پرورش دهند و مهارتهائی را کسب نمایند و به کار بندند و عزمی راسخ و تصمیمی قاطع داشته باشند . در انتهای این مقال توجه عمیق احبای عزیز را به ضرورت و اهمیت دعا و مناجات برای این امر خطیر و دقت در حیات حضرت عبدالبهاء به عنوان مثل اعلای دیانت بهائی نیز جلب می نمایم:

"اگر گاهی نسبت به این که به عنوان یک فرد بهائی چگونه باید رفتار نمائیم ، دچار تردید می شویم ، باید به حضرت عبدالبهاء اندیشیده ، حیات مبارکشان را در نظر آورده ، از خود سؤال کنیم ، اگر آن حضرت به جای ما بودند چه می کردند ؟ زیرا حضرت عبدالبهاء در جمیع مراحل و مسیرهای زندگی ، مثل اعلی و نمونه کامل ما هستند . شما می دانید که آن مولای عظیم چقدر مهربان بودند ، چگونه محبت و رأفتشان همچون خورشید نورافشان بر کل مردمان می تابید . شوهر و فرزند شما از محبتتان سهم و حق دارند و فرصت مغتنم و شگفت انگیزی برایتان مهیا شده که ایمان و اعتقاد خود را به امر الهی ، ارائه و اثبات نمائید . نیز باید به آستان جمال ابهی استغاثه کنید که یاریتان فرماید با شوهرتان متحد شده ، خانه خود را خانه ای حقیقی و مملو از سعادت و خوشبختی سازید .

توقیع منبع صادره از جانب حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبا - انوار هدایت ص ۲۸۵

شاعر: سرکار خانم بهیه گلزار

جایگاه خانواده

زآنکه اینجا مخزنِ عشق و وفا، صدق و صفاست	جایگاه خانواده، اوجِ عرشِ کبریاست
مرکزِ حسنِ سلوک و الفت و دلداری است	خانواده، مرکز مهر و وفاق و یاری است
جامه تقوی به انسانها در این جا دوختند	درس عشق و تربیت، این جا بسا آموختند
درس دین و علم و عرفان، ابتدایش این سراسر است	دامن مادر، کلاس مهربانی و وفاست
ریشه و بنیاد آن را جستجو کن زین سرا	گر رود پیغمبری روزی به معراج خدا
شعله در دلها فروزد نور لطف و سادگی	چون به فرزندان، پیاموزد ره آزادگی
در دل پروردگانش، راز هستی می نهد	هر بهار و هر خزان، درسی از ایمان دهد
چون فروغ مهر و مه، روشن دل و جانها کند	از گذشت و لطف و یاری بس حکایتها کند
بهر رشد خانواده، در تکاپو ساینند	مرد و زن در این سرا همچون جناح طایرند
تا که روشن گردد از انوارشان آفاق عشق	همچنان گلهای " گلزارند " در این باغ عشق

۱۶- مناجات خاتمه از آثار حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاؤُهُ

هو الله

ای خداوند بی همتا ، این نفوس را سراپا نورانی و قلوبشان را رحمانی کن و جانشان را سبحانی نما ؛ تا در جمیع مراتب ، به آنچه لایق این یوم عظیم است ، قیام نمایند و موفق به رضای تو شوند . ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص ۴۴۴